

## گفت و گوهای پسا صهیونیسم؛ دانش و قدرت در فرهنگ

### اسرائیل

نویسنده: لورنس سیلبراشتاین

ناشر: انتشارات روتج

یکی از مباحث جدیدی که چندی است در حوزه قلمفرسایی‌های مرتبط به اسرائیل، اندیشه‌های هواداران دولت اسرائیل را به چالش می‌کشد، بحث درباره پدیده پسا صهیونیسم است. این مباحث که شاید در ابتدا چندان جدی تلقی نمی‌شد و گمان نیز نمی‌رفت که دامنه فراگیری‌اش، مرزهای یک بحث روزآمد اندیشه‌ای را پشت سر گذارد، با پیدایش نشانه‌هایی در زندگی عملی و روزمره، به بحث‌هایی تأمل‌آور با قابلیت‌های پردازش نظری و عملی تبدیل شد. با توجه به این که بحث‌های یاد شده، دولت اسرائیل و هویت ملی آن را نیز مورد توجه قرار می‌داد، پسا صهیونیسم، دیگر پدیده‌ای ساده و خاموش در برابر شالوده‌هایی که رو بنای تفکر اسرائیلی بر آن قرار داشت، به حساب نمی‌آمد. در نگاهی کلی، پسا صهیونیسم واژه‌ای است که در نخستین نگاه از به چالش کشیدن موقعیت موجود دستگاه صهیونیسم و هنجارهای اجنه‌ای، فرهنگی، سیاسی و اسطوره‌های تاریخی تولید شده از سوی آن حکایت می‌کند. از این منظر است که برخی آن را چالشی بنیان‌سوز در گستره اصول بنیادین و ارزش‌های صهیونیسم، تلقی می‌کنند و مهر انکار و مخالفت را بر آن حک می‌کنند و برخی دیگر، آن را ضرورت دوره انتقال به جامعه‌ای دموکراتیک به حساب می‌آورند و به تایید آن می‌پردازند.

بدین ترتیب روشن می‌شود که بحث بر روی پدیده پسا صهیونیسم، به بحث درباره کنترل بر روی فضای فرهنگی جامعه که هویت جمعی اسرائیل در آن، شکل می‌گیرد تبدیل می‌شود. منتقدان پسا صهیونیسم اغلب، کسانی هستند که بر تعهد خویش نسبت به موقعیت برتر صهیونیسم، پابرجا ایستاده‌اند و در پی دفاع از هویت و ماهیت صهیونیستی حاکم و حفظ فضای فرهنگی اسرائیل، و نفوذناپذیر کردن آن نسبت به اندیشه‌های بیرونی برآمده‌اند. به باور آنان، هر تهدیدی علیه بنیان‌های ایدئولوژیکی و فلسفه وجودی اسرائیل، تهدیدی علیه هژمونی صهیونیستی تلقی می‌شود و لذا باید با آن به مخالفت پرداخت. در مقابل، طرفداران اندیشه پسا صهیونیسم، در برابر این تفکر که پسا صهیونیسم، مترادف «ضد اسرائیلی» است، می‌ایستند اما این نکته را نیز نمی‌پذیرند که وفاداری به دولت اسرائیل، به معنای وفاداری به صهیونیسم است.

اما بحث‌های پسا صهیونیستی، تنها محدود به فضای فرهنگی نمی‌شود و در جریان فراگیری خویش، فضای فیزیکی را نیز در بر می‌گیرد. معنای این حرف آن است که طرفداران پسا صهیونیسم به ویژه دانشگاهیان، اغلب بر این باورند که جنگ با فلسطینی‌ها، تنها زمانی پایان خواهد پذیرفت که راه حل‌های بدیل واقعی در مورد مسأله تفوق و استیلای اسرائیل، بر فضای زندگی فلسطینی‌ها، سایه افکند. در حالی که پسا صهیونیست‌ها، یک گروه سیاسی سازمان یافته را تشکیل نمی‌دهند، عموماً بر این باورند که اسرائیل، باید به دولتی دموکراتیک برای تمامی شهروندانش تبدیل شود. از این رو، آنان اصول صهیونیسم را که در اعلامیه موسوم به استقلال اسرائیل بیان شده و حکایت از آن دارد که اسرائیل، دولتی از مردم یهودی است، نفی می‌کنند و بدین سو گرایش دارند که این دولت، تمامی مردمی را که در این محیط زندگی می‌کنند، اعم از اعراب فلسطینی، باید در بر گیرد. اینان معتقدند که عصر سلطه صهیونیستی، پایان یافته و دوره جدید مابعد صهیونیسم آغاز شده است. استدلال این گروه بر این شالوده استوار است

که گفتمان صهیونیستی، قدرت خویش را در تغییر ساز و کارهای پایه‌ای و ساختارهای سیاست و فرهنگ جامعه اسرائیلی از دست داده است و لذا فاقد کارآمدی و تأثیر می‌باشد. بدین ترتیب، بحث‌های پسا صهیونیستی جریان دموکراسی‌سازی در نگرش‌های مربوط به اسرائیل در مورد شهروندان گوناگون را مدنظر قرار می‌دهد و از این منظر، گاه اساس صهیونیسم را به عنوان این که آیا بهترین شیوه برای تحقق آرزوهای یهودیان بوده، مورد تردید قرار می‌دهد. از سوی دیگر پسا صهیونیسم گاه، حرکت تاریخ و جنورفت زمان را به عنوان ضرورتی برای انتقال به یک دوره جدید مدنظر قرار داده، به یکی از بحث‌های روز در منطقه تبدیل گردیده است.

از این رهگذر، یکی از کتاب‌هایی که در زمینه پسا صهیونیسم، بحث‌های قابل تأملی را مطرح می‌کند، کتاب «گفت و گوهای پسا صهیونیسم؛ دانش و قدرت در فرهنگ اسرائیل»<sup>\*</sup> است که به قلم «لورنس جی. سیلبرشتاین» به رشته تحریر درآمده و علاقه‌مندان به پیگیری بحث‌های اندیشه‌ای در زمینه صهیونیسم و پسا صهیونیسم را با جنبه‌های گوناگون این پدیده آشنا می‌سازد.

کتاب ۲۴۷ صفحه‌ای «گفت و گوهای پسا صهیونیسم» که در قالب شش فصل در سال ۱۹۹۹ به چاپ رسیده، تلاش می‌کند تا بحث‌های مربوط به پسا صهیونیسم را با نگاهی به مسأله صهیونیسم و بحث‌های صهیونیستی، مطرح نماید. از این رهگذر، سه فصل نخستین کتاب، شکل‌گیری صهیونیسم، انتقاد از صهیونیسم از درون و انتقاد از صهیونیسم از بیرون را مورد بررسی قرار می‌دهد و سپس در سه فصل باقی مانده به بحث از پسا صهیونیسم در قالب بحث‌های دانشگاهی، انتقادهای فلسطینی و سرانجام انتقادهای

---

\* Laurence J. Silberstein, (1999), "The Postzionism Debates; Knowledge and Power in Israeli Culture", Routledge, New York and London.

تند با توجه به مباحث پسامدرن، می‌پردازد. فصول ششگانه کتاب به گونه‌ای طراحی شده که خواننده را ابتدا با مسایل مربوط به صهیونیسم و سپس با بحث‌های پسا صهیونیستی آشنا می‌سازد. تلاش در استفاده از اندیشه‌های محققان و متخصصان در هر بخش که اقتضای بحث‌های اندیشه‌ای است، از نقاط قوت کتاب به حساب می‌آید. البته نباید فراموش کرد که این کتاب، همان گونه که نویسنده نیز اذعان می‌دارد (ص ۱۰)، مقدمه‌ای تاریخی و جامع در مورد پسا صهیونیسم و بحث‌های مربوط به آن تلقی نمی‌شود بلکه بیشتر با هدف آشناسازی خواننده با پدیده پسا صهیونیسم و قرار دادن آن به عنوان تکه‌ای جدید از پازل (جورچین) فرهنگ اسرائیل و ارتباط آن با دیگر اجزاء درونی این فرهنگ، تدوین شده است.

نویسنده در نخستین فصل از نوشتار که با عنوان شکل‌گیری صهیونیسم مطرح گردیده، بر این باور است که بحث از پسا صهیونیسم، نیازمند بررسی صهیونیسم به عنوان مقدمه‌ای ضروری است. او هدف از فصل نخست را نه ارائه اطلاعات جدید، بلکه شکل دادن دوباره به دانسته‌ها می‌داند. از این منظر، فرضیه‌هایی را که تاریخ‌نگاران صهیونیست در مورد این پدیده بیان نموده‌اند شامل تعلق یهودیان به یک پیکره واحد ملی، نیاز به حضور این مجموعه در سرزمین خود و سرانجام، مشروعیت ادعای یهودیان بر سرزمینی که بر آن زندگی می‌کنند، به رشته تحریر در می‌آورد. سیر شتاین بر این عقیده است که بشریت به واحدهایی طبیعی، اجتماعی و فرهنگی به نام ملت، تقسیم شده‌اند و این ملت‌ها با مؤلفه‌هایی نظیر تاریخ، زبان، ... از یکدیگر جدا می‌شوند. صهیونیسم، وجود یک ملت یهودی را از قبل، امری عادی تلقی می‌کند و آن را صاحب هویتی خاص می‌داند. نویسنده می‌کوشد تا با ظرافت، دو عنصر ملت یهودی و صهیونیسم را به یکدیگر نزدیک سازد و گاه به سوی یکی کردن آنها نیز پیش می‌رود، اما از این نکته نیز غافل نیست که تلاش صهیونیسم بر ارائه قوم یهود به عنوان یک ملت و از خلال مبانی ملی بجای مبانی

یهودی-مذهبی است.

دومین فصل از کتاب گفت و گوهای پسا صهیونیسم، در کنار فصل سوم که مکمل فصل دوم است، به بررسی انتقادهای مربوط به صهیونیسم می پردازد. نویسنده بر این باور است که صهیونیسم در طول تاریخ خویش از درون و بیرون مورد انتقاد قرار داشته است. این دو فصل در کنار یکدیگر به بررسی انتقادهای قدیمی در این زمینه می پردازند. آنچه از لابلای خطوط این دو فصل به عنوان پرسشهایی بنیادین مطرح می شود آن است که حدود و ثغور مشروعیت گفت و گوهای صهیونیستی، چیست؟ چه کسانی می توانند این حدود را تعیین کنند؟ و این حدود به کمک کدامین وسایل باید به اجرا در آیند؟

بابر\*، بار\*\* و الون\*\*\* از جمله افرادی هستند که نویسنده در فصل دوم به بررسی اندیشه های آنان می پردازد. در این میان، بابر از جمله افرادی است که ضمن پذیرش حق یهودیان، مسأله ادعای فلسطینی ها در مورد سرزمین را نیز مورد توجه و پذیرش قرار می دهد. چنین دیدگاهی، تنها در میان اقلیتی کوچک از صهیونیست ها به چشم می خورد. از سوی دیگر بار، به عنوان یکی از افسران پیشین ارتش، معتقد است که صهیونیسم همچنان به عنوان پدیده ای که می تواند مشکلات دوره جدید را حل کند، مطرح است اما او بر این باور است که صهیونیسم باید با رجوع به خود، انحرافات را کشف و به اصلاح آنها پردازد. سرانجام الون به عنوان نویسنده، روزنامه نگار و منتقد اجتماعی که به انتقاد از موقعیت های غیر صهیونیستی و ضد صهیونیستی می پردازد، بر این باور نیز هست که آنانی که گمان می کردند همه جای دنیا برای یهودیان، غیر از یک دولت یهودی، جایی ناامن و غیر مطمئن است، بر گمانی غلط بوده اند. الون به بررسی اشتباهات صهیونیسم می پردازد و

\* Martin Buber

\*\* Mordecai bar

\*\*\* Amos Elon

اولین و مهمترین مشکل را شکست در حل مسائل و مشکلات با اعراب می‌داند. آنچه از مجموع انتقادهای این فصل که به بررسی اشکالات و تناقضات درونی صهیونیسم می‌پردازد، برمی‌آید آن است که صهیونیسم باید به حل مشکلات خویش توجه کافی داشته باشد. در صدر تمامی این انتقادات، مسألهٔ منازعه جاری میان اسرائیل و فلسطینی‌هاست.

سومین فصل کتاب به عنوان تکمیل کننده فصل دوم، از نگاهی دیگر، انتقادهای مربوط به صهیونیسم را مورد توجه قرار می‌دهد. در این فصل، گفته‌های شاعری ایدئولوگ بنام راتش\* مورد توجه قرار می‌گیرد. «راتش» معتقد است انقلابی که صهیونیسم در پی آن بود، هرگز تحقق نیافت. اگر چه صهیونیسم ارتباط زیادی با زندگی یهودیانی که در خارج از اسرائیل زندگی می‌کردند، داشت اما هرگز نتوانسته خود را از یهودیت جدا کند. او عقیده دارد بحث از یهودیان سراسر جهان را باید کنار گذاشت. ملت واقعی، گرد محور زبان عبری و فرهنگی که آفریده است، می‌چرخد. بنابراین چنان که ملاحظه می‌گردد، این دیدگاه که با عنوان دیدگاه کنعانی مطرح است، نوعی هویت نوین عبری را با خود به همراه می‌آورد. در کنار این دیدگاه، اورن\*\* معتقد است که تلاش صاحبان دیدگاه پیش گفته برای جدا کردن فرهنگ جدید عبری از یهودیت تاریخی، تلاشی سطحی و ضعیف است. در حالی که «راتش» گفته بود که یک عبری نمی‌تواند یک یهودی باشد، «اورن» می‌گوید که تمدن عبری، تنها از درون یهودیت به زندگی خویش ادامه داد. از دیگر بحث‌های اورن، مسأله یهودیانی است که در خارج از اسرائیل زندگی می‌کنند. او از این که شرایط یهودیان بیرون از اسرائیل را در قالب واژگان ملی‌گرایانه توصیف کند، ابا دارد. به عنوان مثال، او عقیده دارد که یهودیان اروپا یا آمریکا، هرگز چنین نمی‌اندیشند که ملتی هستند که در

\* Ratosh

\*\* Baoz Evron

تبعید زندگی می کنند. بحث درباره «نفی فضای بیرونی» به اورن کمک می کند تا بحث از «صهیونیسم بی ترحم» را بیان کند. این اصطلاح، صهیونیسمی را مدنظر دارد که ساخت سرزمین خویش را بر هر چیز دیگری ترجیح می دهد و تقاضای اصلی آن، نه نجات یهودیان، که تصرف یک سرزمین است. بدین ترتیب، روشن است که بحران صهیونیسم از نظر اورن تا حدود زیادی حول محور رابطه اسرائیل / فلسطین دور می زند.

سیلبرشتاین از فصل چهارم کتاب خویش، بطور مشخص به بحث از پسا صهیونیسم می پردازد. به باور او، از اواسط دهه ۱۹۸۰، انتقادی از صهیونیسم در شکل جدید ظاهر گردید که به پسا صهیونیسم معروف شد. این نگرش، اگر چه مانند موارد پیشین انتقاد از صهیونیسم، دارای چارچوب بندی دقیق به ویژه در حوزه واژگان ایدئولوژیکی خالص نبود با این همه در درون بحث های دانشگاهی جای گرفت. نخستین رد پای بحث های پسا صهیونیستی مربوط به گروهی از دانشگاهیان بود که در اواخر دهه ۱۹۷۰ ظاهر شد و از اواسط دهه ۱۹۸۰ شکلی جدی تر به خود گرفت.

در اواخر دهه ۱۹۷۰ و دهه ۱۹۸۰، برخی از دانشگاهیان جوان اسرائیلی که رهیافت های روش شناسی گوناگونی را می آزمودند، دیدگاه های بدیلی را در مورد تاریخ و فرهنگ اسرائیل، مورد توجه قرار دادند. دیدگاه های آنان، پرسش هایی را از عمق به سطح آورد، پرسش هایی که پیشتر، بدان توجهی صورت نمی گرفت. نابرابری های اجتماعی، بحران سیاسی و آسیب پذیری اقتصادی، از جمله مسائلی بود که به داغ تر شدن این بحث ها کمک می کرد. نویسنده در ادامه بحث خویش، نویسندگانی همچون «سگو»\*، «موریس»\*\* و «کیمرلینگ»\*\*\* را مورد توجه قرار می دهد که هر کدام با نگاهی خاص

\* Tom Segev

\*\* Morris

\*\*\* Kimmerling

و از زاویه‌ای، بحث‌های پسا صهیونیستی را مطرح می‌کنند. به عنوان مثال، سگو در کتاب خویش، اسطوره‌های اسرائیلی و حوادث تاریخی این سرزمین و منازعات اعراب و اسرائیل را بیان می‌کند. او در جایی از کتاب خویش، بدین اعتقاد می‌رسد که جمع کردن یهودیان در تبعید، ایده آل صهیونیسم نبود بلکه هدف اصلی اسرائیل از تشویق یهودیان به مهاجرت، نیاز دولت اسرائیل به نیروی انسانی در بخش‌های کشاورزی، صنعت و ارتش بود. مثالی دیگر از این نوع انتقادات، به کیمرلینگ و شفیر\* باز می‌گردد که بحث در مورد صهیونیسم را با نیم‌نگاهی به بحث‌های مربوط به استعمار و استثمار مورد توجه قرار می‌دهند و صهیونیسم را از نگاه اعراب و جهان اسلام، به مثابه پدیده‌ای استعماری می‌نگرند.

به نظر می‌رسد که دلیل شکل‌گیری پنجمین فصل از کتاب سیلبرشتاین، این تفکر باشد که انتقاد از صهیونیسم و حرکت به سوی اندیشه‌های پسا صهیونیستی، بدون در نظر آوردن نظرات طرف مقابل فلسطینی بحثی ناقص خواهد بود. بدین سبب، فصل پنجم کتاب با عنوان انتقادهای فلسطینی و گفت و گوهای پسا صهیونیسم، مطرح می‌شود. نویسندگان عقیده دارند که در میان دانشگاهیان اسرائیلی که طرفدار پسا صهیونیسم و اندیشه‌های پسا صهیونیستی هستند، این تفکر وجود دارد که در شکل‌گیری فرهنگ اسرائیل، نادیده انگاشتن مشارکت اعراب، اشتباهی بزرگ است. داستان صهیونیسم، بدون فهم تأثیرات متقابل زندگی و اندیشه اسرائیلی‌ها و فلسطینی‌ها بر روی یکدیگر، داستانی ناقص است. در این میان، از جمله افرادی که به بررسی تأثیرات تخریبی فرهنگ اسرائیلی بر زندگی فلسطینی‌ها پرداخته، «آنتون شمس»\*\* است. او عقیده دارد که فلسطینی‌ها در سرزمین خود به گونه‌ای زندگی می‌کنند که گویی در تبعید هستند.

\* Shafir

\*\* Anton Shammas



«امیل حبیبی» \* نیز از دیگر افرادی است که از این منظر به مسأله مورد بحث نگاه می‌کند. او که از چهره‌های حزب کمونیست اسرائیل و ۱۹ سال نماینده این حزب در کنست (۱۹۷۲-۱۹۵۳) بود، در پی نشان دادن فریادهای خاموش و بی‌صدای آوارگان فلسطینی و بهبود وضعیت آنان در اسرائیل به کمک ابزارهای سیاسی بوده است. پسا صهیونیسم از نگاه این نویسندگان و فعالان سیاسی، اشاره به ضرورت انتقال به دوره‌ای دیگر از بازنگری، در تأثیرات عمل صهیونیستی بر روی فلسطینی‌ها دارد. با این همه نباید فراموش کرد که حتی شممص نیز اساساً ماهیت غاصب دولت اسرائیل را زیر سؤال نمی‌برد. سرانجام آخرین فصل از کتاب گفت و گوهای پسا صهیونیسم، به انتقادهایی تندتر از صهیونیسم با نگاهی پست مدرن می‌پردازد. این انتقادهای، مربوط به گروهی از نویسندگان اسرائیلی است که بحث‌هایشان الهام گرفته از مسائل فرهنگی، اجتماعی، مطالعات زن‌سالارانه و مسائل پست مدرن است و بیشتر تحت تأثیر افکار افرادی همچون فوکو، دریدا، دلوز، بوردیو، وایت و نظریه‌پردازان فمینیست فرانسوی می‌باشد. برآیند بررسی نوشته‌های این افراد، حکایت از اندیشه آنان در مورد ضرورت تغییر روابط قدرت مدارانه در زندگی اسرائیل است، «حنان هور» \*\* از جمله این نویسندگان است که در یکی از مقالات خود با عنوان «عبری از قلم یک عرب» به تحلیل تأثیرات سیاسی نوشته‌های شممص و اهمیت آن در زمینه انتقاد از فرهنگ اسرائیل می‌پردازد. به باور هور، داستان شممص، زندگی اقلیتی تحت فشار و ستم را به تصویر می‌کشد و این در حالی است که اسرائیل، ادعای دموکراسی را مطرح می‌کند.

کتاب گفت و گوهای پسا صهیونیسم، در شش فصل به گونه‌ای ناتمام به پایان می‌رسد

\* Emile Habibi

\*\* Hannan Hever

چرا که هنوز جای پرسش‌هایی چند و پاسخ‌های آن در کتاب، خالی است. در این کتاب، نویسندگان، بیش از هر چیز تلاش نموده تا گفت و گوهای پسا صهیونیستی را در جایی درون سپهر بحث‌ها و گفت و گوهای صهیونیستی جای دهد. وجود چنین تعهدی، قلم نویسندگان را به حوزه‌ای فراتر از مرزهای اصلاح و بازنگری نمی‌کشاند و بدین ترتیب، نگاه او به پدیده پسا صهیونیسم، از منظر گفت و گوهای صهیونیستی و در نهایت، ضرورت ایجاد اصلاحات به عنوان نقاط گذر اجباری با هدف تطابق با شرایط نوین محیطی به ویژه در عرصه فرهنگی و بازیافت توان پاسخگویی به خواسته‌های دوران جدید است. این در حالی است که پسا صهیونیسم را از منظری دیگر یعنی نه گذار از مرحله‌ای به مرحله‌ی نو، بلکه نفی صهیونیسم به عنوان راه حلی برای رسیدن به آنچه در اصطلاح با عنوان مسأله یهودیان مطرح می‌شود، می‌توان مورد توجه قرار داد. اینکه آیا اساساً صهیونیسم، تنها راه تحقق خواسته‌های یهودیان بود، پرسشی است که جواب خود را در این نوشتار نمی‌یابد.

دکتر حمید رضا ملک محمدی

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی